دهه مظلوم

پرونده‌ای درباره سر آغاز حرکت مسلحانه منافقین علیه ملت و نظام جمهوری اسلامی ایران در سی ام خرداد

قدس
سه شنبه ۳۰ خرداد ۱۳۹۶
۲۵ رمضان ۱۴۳۸ | ۲۰ ژوئن ۲۰۱۷
سال سی ام | شماره ۸۴۲۸

گفت‌وگو با دکتر محمدصادق کوشکی

پشت سر گذاشتن دهه ۶۰ معجزه نظام اسلامی بود

لیبرال ها علیه انقلاب

ریشه‌یابی عناد گروه‌های مخالف با انقلاب اسلامی در سال‌های نخستین انقلاب

می خواستند ایران ایرانستان شود!

یادداشت

ای نسل هایی که هنوز نیامدید

نقش خطبه‌های آیت الله خامنه ای در برملا کردن خدعه‌های دشمنان نظام اسلامی در دهه نخستین انقلاب

بهاره داداشی: نماز در نظام اسلامی تنها یک عمل فردی و عبادی نیست و تأکید بر اقامه آن به صورت جمعی و در مساجد و بخصوص حضور در نماز جمعه و تشکیل صفوف به هم فشرده نتایج گسترده و مهمی دارد. در طول انقلاب نیز نماز جمعه نقش مهمی در افزایش بینش و بصیرت سیاسی و اجتماعی مردم و نمایشی از قدرت و همبستگی ملت ایران بوده است. با تصمیم امام خمینی(ره) آیت الله سیدعلی خامنه ای پس از آیت الله طالقانی و آقای منتظری در ۲۴ دی ماه سال ۱۳۵۸ به‌عنوان سومین امام جمعه تهران منصوب شدند و با توجه به ویژگی های ظاهری از جمله خوش بیان و خطیب بودن و درک عمیق و صحیح ایشان از مسائل سیاسی و روحیه انقلابی، از همان ابتدا خطبه های نماز جمعه به کلاس درس و محفلی اسلامی- انقلابی تبدیل شد. ایشان به‌طور همزمان سرپرستی مرکز اسناد و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و معاونت امور انقلاب وزارت دفاع را نیز در سال ۵۸ عهده‌دار بودند و از نزدیک در جریان مسائل و تحولات کشور قرار داشتند. اتفاقات سیاسی کشور در آغاز انقلاب به تدریج شکل بحرانی پیدا می کرد. ریاست جمهوری بنی صدر و نفاق وی در جهت تخریب چهره های انقلابی و بی اعتماد نمودن مردم نسبت به مسئولان و ایجاد اختلافات داخلی، عللی بود تا آیت الله خامنه ای نماز جمعه را به جبهه مقاومت و مبارزه با دشمنان انقلاب تبدیل کنند. در یکی از این خطبه ها با اشاره به شایعات بنی صدر در مورد اخلال و کارشکنی روحانیون در کارهای دولت و با اتخاذ موضعگیری صریح، به نقد رئیس جمهور پرداختند: « شایعاتی وجود داشت مبنی بر اینکه روحانیون در کارهای جنگ دخالت می کنند. من صریحا می گویم این مطلب دروغ است..... بیش از یک ماه و نیم است که در جبهه هستم، با برادران نظامی، با فرماندهان، با طبقات پایین‌تر، با پاسداران، با داوطلبان دائما در تماس هستم، هرگز فرمان نظامی به احدی نداده‌ام، با اینکه مشاور امام و عضو شورای عالی دفاع نیز به نصب امام هستم. آن‌هایی که این شایعات را می‌پراکنند می‌خواهند بین قشرهای مردم اختلاف بیندازند، می‌خواهند وانمود کنند که روحانیت در امور فرماندهان، نظامیان، مسئولان دخالت می کند....»[1]

آیت الله سیدعلی خامنه ای با درک صحیح از موقعیت و منافع کشور بر لزوم بصیرت و هوشیاری نسبت به توطئه هایی که توسط برخی عناصر در داخل و خارج در جریان بود هشدار می دادند. بیش از همه دو جریان نفاق در کشور، آشوب و ناامنی به راه انداخته بود که نیروی کمکی برای رژیم صدام به حساب می آمد. محتوای خطبه ها را نیز در بسیاری موارد و با توجه به تحولات روز در کشور، پرداختن به عملکرد ابوالحسن بنی صدر و سازمان مجاهدین خلق تشکیل می داد. ایشان به درستی بنی صدر را یک مهره در بازی سیاست مداران و وابسته به یک جریان سیاسی مخالف با انقلاب ایران دانسته و آن را به مردم معرفی کردند: «برادران! همان‌طور که گفتم، آقای بنی‌صدر شخصاً طرف نیست، یک جریان طرف است. امروز این جریان در این چهره ظاهر شده است، قبلاً در چهره‌های دیگری ظاهر شده بود، روز دیگر ممکن است در چهره‌های دیگری ظاهر شود. هوشیار باشید. جریان نفاق، یعنی کفر پنهانی و زیر پرده را بشناسید؛ این حرف مال امروز نیست، این حرف مال زمانی که گویندگان و رهبر عظیم‌الشّأن ما در میان ما است نیست؛ این جریان مال تاریخ انقلاب ماست. ای نسل‌های جوان، ای نوجوان‌های امروز و مسئولان فردا، ای نسل‌هایی که هنوز نیامدید یا کودک هستید! بدانید این انقلاب از ناحیه منافقان از همه بیشتر ضربت می‌بیند، حواستان را جمع کنید.»[2]

آیت الله خامنه ای در خطبه های ۵ تیر ماه سال ۶۰ نیز با تذکری جدی منافقان را مورد خطاب قرار دادند. «من خطاب اولم به سران این گروهک‌هاست، مخصوصاً سران منافقین که نام مجاهدین را بر روی خود نهاده‌اند. من این سران را می‌شناسم، سوابق آنها را می‌دانم، ضعف‌ها و خصلت‌های روانی آنها را از نزدیک لمس کردم... شما می گفتید ما یک گروه مترقی و انقلابی هستیم و با این شعار با چیزی که اسمش را ارتجاع می گذارید می‌جنگیدید. من از شما سؤال می کنم، آیا گروه‌های انقلابی مسلمان و غیر مسلمان ادعای انقلابیگری را از شما باور می‌کنند در حالی که شما با جناح و جریان گرایش‌دار به غرب و وابسته به غرب این همه لاف دوستی و محبت می‌زنید؟ با توده‌های انقلابی مردم در می‌افتید، با جوان‌های انقلابی‌ای که در مرزها جانشان را دارند در راه خدا می‌دهند در می‌افتید، به حساب و به نفع جریان متمایل به غرب اسم خودتان را می گذارید انقلابی؟ از شما کسی باور نخواهد کرد». معرفی دسیسه های پنهانی ضد انقلاب و منافقان، آنان را به مواجهه با تریبون نماز جمعه و نمازگزاران کشاند و پس از خطبه های قاطع آیت الله خامنه ای در اولین جمعه پس از راهپیمایی و اعلام جنگ مسلحانه علیه انقلاب و مردم جماعت نمازگزار و امامان جماعت و روحانیون آگاه به یکی از اهداف اصلی حملات آنان تبدیل شدند.

۱- ۵۹/۸/۲۳ ۲- ۶۰/۳/۲۹

نگاهی به مظلوم ترین دهه تاریخ انقلاب

چالش های سیاسی پیش روی انقلاب در دهه ۶۰

آرزو زینالی: تحولات سیاسی در دهه ۵۰ و افزایش نارضایتی های عمومی در پی معضلات سیاسی و اقتصادی و افزایش فشارهای اجتماعی از طرف رژیم پهلوی، در نهایت منجر به تحول عظیمی در عرصه سیاسی کشور و وقوع انقلابی با حمایت های مردمی و مشروعیت دینی شد که واکنش شدید و عمیقی به تضادهای رفتاری حکومت پهلوی با نظام فکری و فرهنگی مردم ایران بود. ایدئولوژی انقلاب اسلامی به رهبری روحانیت و در صدر همه آن ها، امام خمینی(ره) اگرچه برای اکثریت ۹۸ درصدی مقبول افتاد و مورد استقبال و حمایت قرار گرفت اما برخی از گروه ها به تدریج خواستار سهم خواهی از انقلاب و کسب جایگاه قدرت و منفعت برای احزاب و دسته های خود شدند و از آنجا که با اقبال عمومی و خواست مردمی مواجه نشدند رو در روی مردم و نظام قرار گرفتند. برخی از این گروه ها از جمله سازمان مجاهدین خلق تحمل رانده شدن از سوی مردم را نداشتند و سیاست های تلافی جویانه و تخریبی در پیش گرفتند تا شاید با همدستی دشمنان خارجیِ نظام تازه تأسیس و انقلابی، بتوانند مطامع خود را دنبال کنند. دهه آغازین انقلاب اسلامی در عین اینکه در تلاش بود تا بتواند پایه های استوار و درستی برای اداره مملکت و رسیدگی به اوضاع مردم بگذارد، همزمان باید با عواملی که مخل امنیت و رفاه مردم بودند نیز مبارزه می کرد. هنوز انقلاب در شیرینی طعم پیروزی به سر می برد که سایه سنگین جنگ بر کشور تحمیل شد و ارگان ها و سازمان های مختلف که در حال تغییر بودند تا متناسب با محتوای اسلامی انقلاب حیات جدیدی را آغاز کنند به دلیل تجاوز نظامی عراق از وظایف اصلی خود صرف نظر کردند و با تمام توان در خدمت رزمندگان و حفاظت از مرزها برآمدند. نظام جدید در چند جبهه باید توان خود را به خدمت می گرفت هم در جبهه داخلی و برای مقابله با منافقین و عوامل ضد انقلاب و منافق و در عرصه خارجی نیز تجاوز رژیم بعث عراق که با حمایت های جهانی و با توهم اشغال ایران و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی با تمام توان وارد میدان شده بود.

درگیری و اختلافات داخلی در عرصه سیاسی به دلیل اختلاف دیدگاه هایی که بین برخی احزاب وجود داشت از جمله اختلاف نظرهای دولت موقت با سیاست خارجیِ نشأت گرفته از ایدئولوژی انقلاب و همچنین همدستی رئیس جمهور بنی صدر با گروه منافقین که با هدف بر هم زدن نظم عمومی و تجزیه از درون همکاری می کردند؛ بخشی از توان کشور را به خود مصروف کرده بود.

سازمان مجاهدین خلق، چریک های فدایی خلق و پیکاری ها که گروه جدا شده از سازمان مجاهدین خلق با گرایش مارکسیستی بودند و تا سال ۶۱ که منحل شدند به دشمنی خود با جمهوری اسلامی ادامه دادند، به انحای مختلف به تخریب داخلی می پرداختند.

> **برخی از گروه ها به تدریج خواستار سهم خواهی از انقلاب و کسب جایگاه قدرت و منفعت شدند و از آنجا که با اقبال عمومی و خواست مردمی مواجه نشدند رو در روی مردم و نظام قرار گرفتند سازمان مجاهدین خلق از جمله این گروه ها بودند**

در میان این گروه ها سازمان مجاهدین خلق و نیز گروه فرقان که فراتر از درگیری های سیاسی دست به اقدامات مسلحانه زدند و با قربانی کردن تعداد بسیار زیادی از مردم بی گناه و عادی و نیز جمعی از یاران اصلی انقلاب که در اجرای اهداف نظام می توانستند نقش مؤثری ایفا کنند؛ بزرگترین خیانت ها و جنایت ها را مرتکب شدند. آبشخور فکری و تجهیزاتی این گروه ها نیز اغلب در خارج از کشور و با حمایت های بیگانگانی بود که تحقق انقلاب اسلامی نه تنها در ایران بلکه در منطقه و نقاط مختلفی از جهان منافع آنان را به خطر انداخته بود. روند جنایت های غربیان در ایران با اعمال تحریم های گوناگون در حوزه های مختلف کامل شد. تحریم ها در شرایطی بر کشور تحمیل شدند که تجاوز نظامی عراق منابع کشور را به شدت مصرف می کرد و امکان تأمین نیازمندی ها از خارج از کشور نیز به سختی ممکن می شد. شرایط مشقت باری که مدت ۸ سال، جنگ برای مردم ایران بوجود آورد و آنان را متحمل رنج های بسیاری نمود، همگی ناشی از تحریم های آمریکا و کشورهای غربی بود. تحریم های اقتصادی از سوی آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی که شامل موارد خارج از تحریم همچون دارو و مواد غذایی نیز می شد نقض آشکار حقوق بشر بود و این در شرایطی است که کشور به دلیل جنگ با عراق در زمینه پزشکی نیاز به کمک های بسیاری داشت ولی تحریم ها مانع از ورود و تأمین نیازهای پزشکی و درمانی می شدند.

نکته مهم در سیاست خارجی آمریکا تأمین منافع این کشور در سرزمین هایی چون ایران بود و این کشور که ید طولایی در غارت ثروت های ایران داشت حاضر نبود به بهانه دست اتحاد و دوستی با رژیم پهلوی از این منافع به راحتی عبور کند. عدم پذیرش محمدرضا پهلوی در آمریکا پس از فرار از ایران نیز امید آمریکا به برقراری رابطه با ایران بود و دولت موقت که در سیاست خارجی خود رویکرد انقلابی نداشت چشم امیدی برای آمریکاییان به حساب می آمد. اشغال سفارت این کشور در ۱۳ آبان سال ۵۸ توسط دانشجویان پیرو خط امام خط بطلانی بر هرگونه ارتباط دو کشور ایران و آمریکا به شکل غیرمساوی بود به این معنی که ایران در حکومت جمهوری اسلامی همچنان آبشخور نفتی و منفعت اقتصادی برای این کشور باشد. این شکست نهایی برای آمریکا موجب نمایاندن چهره واقعی این کشور برای ایرانیان و مقدمه ای بر تحریم های طولانی و متمادی برای ایران و حمایت از متجاوزان به قلمرو ارضی کشورمان شد.

تمام این دشمنی ها در وهله اول برای براندازی نظام جمهوری اسلامی بود و برای تحقق این هدف از انواع ابزارهای تبلیغاتی و نظامی بهره برده شد و زمانی که نتوانستند دستاوردی داشته باشند در تلاش برای تجزیه کشور برآمدند و با حمایت گروهک ها و اقلیت ها و تأمین اعتبارات و پشتوانه های مالی و ابزارهای نظامی برای آنان، سیاست تجزیه طلبی را دنبال کردند. با وجود اینکه در این دهه، کشور از سوی مختلف مورد هجوم واقع شد و بخش زیادی از امکانات و توانایی هایی که می توانست برای خدمت و سازندگی به کارگرفته شود برای مقابله و مواجهه با این زیاده خواهی ها و دست درازی ها از بین رفت، با این حال درایت و کاردانی رهبر انقلاب و برخورد انقلابی و اسلامی با تحولات گوناگون، کشور را از تجزیه شدن و انقلاب را از نابودی حفظ کرد. رهبر کبیر انقلاب اسلامی در هیچ یک از مراحل مبارزه در دوره پهلوی و پس از تحقق انقلاب اسلامی توکل و اعتماد به خدا و انجام مسئولیت برای رضای خدا را از دست نداد. همین روحیه موجب تمایل و اقبال عمومی به ایشان بود و تا آخرین لحظات از حمایت و پشتوانه مردمی برخوردار بودند. امام خمینی(ره) در مقام رهبری، هرآنچه را که از هوش و درایت و کاردانی لازم بود به کار گرفتند تا کشور را از انحراف عقیدتی و فکری و نیز زیاده خواهی های بیگانگان و بازگردان کشور به دوره وابستگی نجات دهند.

سیاست ورزی انقلابی امام(ره) مانع از نفوذ بسیاری از کژفکری ها به ایدئولوژی اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی شد و این همان چیزی بود که نهضت اسلامی به خاطر آن به جریان افتاد. تجربه ولایت امام خمینی(ره) و نیز رحلت ایشان در سال ۱۳۶۸ یکی دیگر از تحولات مهمی است که در این دهه روی داد.

گفت‌وگو با مسعود رضایی، عضو دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران

موج حملات از داخل و خارج انقلاب اسلامی را قدرتمندتر کرد

جانفشانی در مسیر انقلاب اسلامی ادامه خواهد داشت

مهدیه احمدی: «دهه ۶۰ مظلوم و در عین حال بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در تاریخ انقلاب اسلامی است که متاسفانه ناشناخته مانده و اخیرا نیز به وسیله برخی بلندگوها و صاحبان آن‌ها مورد تهاجم قرار گرفته است. دهه ۶۰ دهه آزمون‌های بزرگ بود که خشن‌ترین اقدامات تروریستی در کشور علیه انقلاب و مردم ایران انجام شد و تروریست‌های مورد حمایت قدرت‌ها، در این دهه، هزاران نفر از آحاد مردم و مسئولان را به شهادت رساندند که در میان آن‌ها از کاسب معمولی تا جوان و فعال سیاسی و شخصیت‌های بزرگ دیده می‌شوند» این سخنان بخشی از سخنان رهبری در سخنرانی ۱۴ خرداد امسال به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) بود. ازاین‌رو به سراغ مسعود رضایی، عضو دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران و نیز پژوهشگر تاریخ رفتیم تا شرح وقایع این دوره از تاریخ را از زبان او بشنویم.

◆ مقام معظم رهبری در سخنرانی ۱۴ خرداد امسال تاکید بر مظلومیت انقلاب اسلامی در دهه ۶۰ داشتند. نخست بفرمایید انقلاب چه چالش‌ها و زحمت‌هایی از سوی افرادی که به‌اصطلاح می‌توان از آن‌ها به عنوان قاسطین، مارقین و ناکثین نام برد، در این دهه داشت که به عنوان مظلومیت از آن یاد می‌شود؟

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، کشور با موجی از حوادث و رویدادهایی روبه‌روست که به شدت انقلاب و مردم را زیر فشار قرار داده است. نخستین زبانه‌های این مسئله از تحرکات و شورش‌های مسلحانه گروه‌های چپ و وابسته‌به خارج مانند حزب دموکرات کردستان، چریک‌های فدایی خلق در نقاط مرزی است که آغازگر مشکلات هستند. این گروهک‌ها مردم را در نقاط مختلف مرزی از کردستان، ترکمن‌صحرا، خوزستان و سایر مناطق مرزنشین تحریک و علیه انقلاب می‌شوراندند و همین عملکردها باعث می‌شد تا اتفاق‌های ناگواری در کشور رخ دهد و تعداد زیادی از بهترین فرزندان این ملت به شهادت رسیدند تا بتوانند از انقلاب و سرزمین خود دفاع کنند. مراقب بودند انقلاب بر اثر این گونه حوادث آسیب نبیند و از پای در نیاید به این دلیل که به هر حال انقلاب اسلامی نوپا بود.

موج دیگری از این ناملایمات با رفتارها و عملکرد سازمان منافقین شکل گرفت که در نهایت به شورش مسلحانه آن‌ها در کشور انجامید و ضربات زیادی به مردم و انقلاب وارد کرد. این گروهک در عملیات تروریستی خود حداقل حدود ۱۷ هزار نفر از مردم عادی را در کوچه و خیابان به شهادت رساندند.

همچنین در عملیات تروریستی خود با بمب‌گذاری در حزب جمهوری اسلامی و نخست‌وزیری بسیاری از مسئولان دلسوز انقلاب و کشور را به شهادت رساندند. این نیز موج دیگری بود که کشور و انقلاب را تهدید می‌کرد.

موج موازی دیگری در کنار این اقدامات و عملیات تروریستی، عملکرد بنی‌صدر بود که موجب شد تا مردم و انقلاب تحت فشار قرار بگیرد. و نیز در مجموع شاهد بودیم که این عوامل به یک پیوند و ائتلاف در دشمنی برای ضربه زدن به انقلاب اسلامی رسید. بسیاری از آن‌ها به خارج از کشور رفتند و برخی (سازمان منافقین) با رژیم بعث عراق وارد همکاری شدند و این رژیم را در جنگ تحمیلی همراهی و کمک کردند.

این گروهک در عملیات تروریستی خود حداقل در حدود ۱۷ هزار نفر از مردم عادی را در کوچه و خیابان به شهادت رساندند

بنابراین این تحریکات، اقداماتی بود که به شدت منجر به اتلاف منابع کشور و نیز وارد آمدن صدمات جانی و مالی به ایران شد. شهادت بسیاری از مردم این سرزمین در شهرها و مرزهای کشور از دستاوردهای این خیانت‌ها بود.

جوانان بسیاری برای دفاع از انقلاب و مرزهای سرزمین خود به شهادت رسیدند. این موارد از جمله مظلومیت‌های انقلاب اسلامی است که در دهه ۶۰ برای کشور رقم خورد اما در مقابل تمام این حرکت‌ها که واقعا شرح هر یک از آن‌ها زمان‌بر است و نیازمند نوشتن کتاب‌های متعدد در این زمینه است، مردم ما مقاومت کردند و از شهادت در راه اسلام، انقلاب و کشور دریغ نکردند.

همچنین در همین دهه است که کشور مورد تهاجم سنگین نظامی رژیم بعث عراق قرار می‌گیرد که البته این کشور به نمایندگی از امپریالیسم جهانی به ایران حمله می‌کند و در این بخش نیز رزمندگان بسیاری به شهادت می‌رسند. بمباران گسترده شهرها و مراکز اقتصادی کشور، موشک‌باران شهرهای ایران از جمله دزفول از جمله ضرباتی بود که به پیکره انقلاب وارد شد. تمام این اتفاق‌ها حکایت از مظلومیت انقلاب ما در دهه ۶۰ دارد.

◆ تدبیر امام خمینی (ره) به عنوان رهبر انقلاب در تقابل با این برخوردها و چالش‌ها چیست و چگونه این کشتی را به سلامت به سر منزل مقصود هدایت می‌کنند؟

در مقابل تمام این فشارها این رهبری حضرت امام (ره) و مقاومت مردم ایران بود که توطئه‌ها را خنثی کرد و موجب شد که این گونه تهاجمات و وحشی‌گری‌ها از سوی گروه‌های ضدانقلاب داخلی و کشورهای مهاجم به نتیجه نرسد. به طور نمونه دخالت کشورهای خارجی به جایی می‌رسد که آمریکا مستقیما خود وارد جنگ علیه ایران می‌شود؛ سکوهای نفتی ما را مورد حمله قرار می‌دهد و در یک جنایت کاملا آشکار و ددمنشانه که شاید بی‌سابقه است هواپیمای مسافربری ایران را می‌زند.

متاسفانه این اقدامات و رفتارهای دور از انسانیت، با محکومیت رسمی از سوی سازمان‌های بین‌المللی نیز همراه نمی‌شود زیرا آمریکا خود در این سازمان‌ها صاحب قدرت و نفوذ است و این در واقع مظلومیتی مضاعف برای نظام جمهوری اسلامی و مردم ایران است.

به هر حال دهه ۶۰ سال‌های وارد آمدن انواع فشارها و جنایت‌ها در حق این کشور و مردمش بود.

از جمله مظلومیت‌های ما در این دهه محاصره اقتصادی و تسلیحاتی بود که کشور در آن قرار داشت در حالی که به رژیم بعث عراق انواع و اقسام سلاح‌ها داده می‌شد؛ تعداد انبوهی از موشک‌هایی که ایران را مورد تهاجم و هدف وحشی‌گری‌های خود قرار داد ایران تحریم می‌شود. محاصره و تحریم تسلیحاتی کشور، امکان پاسخ‌گویی متقابل را از رزمندگان ما گرفته بود و این نیز از دیگر ظلم‌هایی است که انقلاب و مردم ایران را در دهه ۶۰ مورد آسیب قرار داد و انقلاب اسلامی با آن مواجه شد.اما در مقابل تمام این فشارها و آسیب‌ها این روحیه مقاومت، استقلال‌طلبی و نیز انقلابی‌گری مردم ایران به رهبری حضرت امام (ره) بود که سبب شد این تهاجم‌ها و ددمنشی‌ها به جایی نرسد و با رهبری مقتدرانه امام خمینی انقلاب اسلامی با همراهی مردم پیش رفت و روز به روز قدرتمندتر شد.

همچنین از ویژگی‌های بارز امام روحیه مقاومت، شجاعت و استقامت در مقابل استکبار بود و مهم‌ترین تدبیرشان امیدوار کردن مردم نسبت به آینده بود، در مقابله با فشارها، مردم را دعوت به مقاومت و پایمردی و نیز پایبندی به اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی می‌کرد. و البته مردم نیز با عمل خودشان نشان دادند که پیرو واقعی رهبرشان هستند. ایران روحیه‌ای مملو از ایمان، اعتقاد و مقاومت داشت و کسی که موجب می‌شد تا این روحیه در مردم زنده نگه داشته شود و همچنان با طراوت و نشاط باشد حضرت امام (ره) بودند.

با این جانفشانی‌ها در نهایت انقلاب اسلامی توانست در این مدت تمام این مشکلات را پشت‌سر بگذارد و امروز نیازمند این است که درباره چالش‌ها و مظلومیت‌های انقلاب و مردم در این دهه کتاب‌ها تالیف شود و وقایع برای نسل امروز که این موقعیت را درک نکردند و نیز نسل آینده شرح داده شود. لازم است در تاریخ ثبت شود که چه روزها و سال‌های سختی بر مردم ایران گذشت و این مردم چقدر برای حمایت و حفاظت از انقلاب و کشورشان مقاومت کردند و در برابر تمامی فشارها به‌اصطلاح خم به ابرو نیاوردند.

یادداشت

جای خالی یاران انقلاب

مروری بر ترور شخصیت‌های کلیدی نظام اسلامی در دهه ۶۰ به دست منافقین

ابوالفضل قدیم آبادی: پیروزی انقلاب اسلامی آغاز راه تلاش برای آبادانی و ساختن کشور بر اساس اصول اسلامی و مورد وفاق ملت بود. همه کسانی که در طول سال های مبارزه با رژیم پهلوی همراهی کرده بودند؛ اکنون فرصت را برای اجرایی کردن تفکرات خود فراهم می دیدند و خواهان همسویی سایر جریان ها با خود بودند. نکته قابل توجه و تأمل در این زمان مطالبه اکثریت جامعه ایران از روحانیت برای تحقق وعده های اسلامی کردن نظام و بازگرداندن کشور به مسیر هماهنگ با فرهنگ اسلامی و در واقع اعطای مشروعیت به امام خمینی(ره) به عنوان رهبر انقلاب برای مدیریت کشور بود. وجود چنین حمایتی عرصه رقابت را برای سایر جریان ها و گروه های فعال تنگ کرد و باعث شد که آن ها از دستیابی به قدرت بازبمانند و این برای همه کسانی که هدفی جز قدرت طلبی نداشتند قابل تحمل نبود. سازمان مجاهدین خلق که در مبارزه خود فرازو نشیب های بسیاری گذرانده و در بینش و ایدئولوژی و ساختار سازمانی خود دچار تغییرات بنیادی شده بود چند ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی علی رغم عدم شرکت در همه پرسی جمهوری اسلامی به عنوان ایدئولوژی نظام اسلامی؛ تلاش گسترده ای را برای ورود به نهادهای قدرت آغاز کردند اما ماهیت غیرانسانی و ضد اسلامی سازمان مجاهدین خلق عیان شده بود و همین دلیلی بود تا از سوی ملت و امام (ره) پس زده شوند تا آنان نیز به تلافی به مبارزه مسلحانه روی آورند. همسویی برخی افراد از جمله ابوالحسن بنی صدر به عنوان رئیس جمهور زمینه را برای اجرای عملیات نظامی این سازمان فراهم نمود و این تصمیم در راهپیمایی و درگیری های روز ۳۰ خرداد سال ۱۳۶۰ جلوه گر شد. سازمان مجاهدین خلق که با تبلیغات گسترده بخصوص از افراد کم سن وسال و ناآگاه عضوگیری می کردند، دراین روز با هر اسلحه ای که می توانست مردم را به اتهام حمایت و همکاری با حکومت اسلامی - به قول سران منافقین که از حکومت با عنوان رژیم یاد می کردند- مورد حمله قرار دهد از جمله اسلحه گرم و سرد مانند تیغ موکت بری، قمه و دیلم درگیری مسلحانه گسترده ای را در تهران به راه انداخت. این جریان آغاز کشتارهای خونینی بود که در هفته ها و ماه های بعد قربانیان بسیاری داشت. بنی صدر و سازمان مجاهدین خلق حزب جمهوری اسلامی را یکی از بزرگترین مخالفین خود می دانست از اینرو در اولین اقدام و در روز ۷ تیر در حالی که در دفتر حزب جمهوری اسلامی اجلاسی از سران آن در حال برگزاری بود با انفجار بمب پرقدرتی بیش از ۷۰ تن که در میان آن ها ۴ نفر از وزرای دولت و ۲۳ نفر از نمایندگان مجلس وجود داشتند به شهادت رساند. سازمان منافقین در روز ۸ تیر نیز اقدام به ترور محمد کچوئی، یکی از مبارزین باسابقه انقلاب و مسئول زندان اوین نمود. هدف از این ترورها تلاش سازمان مجاهدین خلق برای حذف فیزیکی مسئولان نظام و تصاحب قدرت و تسلط بر کشور بود اما به طبل رسوایی سازمان و حاکم شدن فضای امنیتی در کشور منجر شد. در فواصل انجام ترورهای اینچنینی، مردم عادی نیز مورد هدف قرار گرفتند و جان و مال آن ها از بین رفت. در ۱۴ مرداد نیز حسن آیت عضو هیئت رئیسه مجلس خبرگان و از مدافعان اصل ولایت فقیه - که همین دیدگاه یکی از علل دشمنی منافقین با وی بود- مورد هدف گلوله های بسیار قرار گرفت و شهید شد.

در شهریور ماه سال ۱۳۶۰ گسترده ترین جنایات سازمان مجاهدین علیه ملت ایران انجام شد و بسیاری از همراهان انقلاب به شهادت رسیدند. در ۸ شهریور نیز انفجار در دفتر ریاست جمهوری که به شهادت محمدعلی رجایی که کمتر از یک ماه بود به عنوان رئیس جمهور انتخاب شده بود و محمدجواد باهنر، نخست وزیر و چند تن دیگر انجامید، به وقوع پیوست. اعتقاد راسخ و ایمان قلبی این دو به نظام اسلامی و خدمت صادقانه به مردم که در طول همین مدت کوتاه، مردم طعم آن را چشیدند، سرمایه عظیمی برای نظام اسلامی بود که با عقده پراکنی های سازمان مجاهدین از دست رفت. برای سازمان مجاهدین خلق که در آغاز ادعای اسلامی بودن داشتند، ذلالت و رذیلت به حدی رسیده بود که حتی حرمت مؤمن نمازگزار را نیز زیرپا گذاشتند و اسدالله مدنی، امام جمعه تبریز را در حین نماز در ۲۰ شهریور مورد هدف قرار دادند. وقتی مادیگرایی و قدرت طلبی در وجود انسان ریشه کند انسانیت نیز رنگ می بازد؛ منافقین با افتخار، نقشه عملیات و جنایت های خود را در نشریه هفتگی مجاهد منتشر می کردند و هیچ ابایی از کشتن مردم عادی نداشتند. باور سران سازمان که آن را به اعضای خود القا می کردند این بود که «هر فردی که با سازمان نباشد دشمن آنان بوده و به عنوان دست نامرئی در خدمت رژیم خواهد بود از اینرو بهتر است که قطع شود». ترورهای کوری که به صورت بی هدف انجام می گرفت و انفجار ماشین ها و یا قتل و کشتار از مردم عادی همگی با همین باور انجام گرفت. دشمنی منافقین از سطح عدم اتفاق نظر با سران حکومت جمهوری اسلامی به سطح جامعه کشیده شد و با پرورش توهم توطئه در ذهن خود، انتقام ناجوانمردانه و روان پریشی از مردم گرفتند و در بین خود از این کشتارها با عنوان «عملیات مهندسی» یاد می کردند.جنگ نظامی سازمان مجاهدین خلق با ملت ایران در ماه ها و سال های آینده نیز ادامه یافت و شهدای بسیاری داشت. عبدالکریم هاشمی‌نژاد، دبیرحزب جمهوری اسلامی در مشهد به تاریخ ۷ مهر ۱۳۶۰ و سید عبدالحسین دستغیب از اعضای مجلس خبرگان در ۲۰ آذر ۱۳۶۰ به شهادت رسیدند. سازمان مجاهدین به همین کشتارها اکتفا نکرد و با پیوستن به رژیم عراق و تشکیلات نظامی به بازویی در خدمت دشمنان خارجی تبدیل شد. از جمله مهمترین نیروهای انقلابی که در سال های آینده قربانی جاه طلبی های سازمان مجاهدین و سران و حامیان آن شدند؛ محمد صدوقی در ۱۱تیر۱۳۶۱و عطاالله اشرفی‌اصفهانی در ۲۳ مهر سال ۶۱ به عنوان نمایندگان ولی فقیه در یزد و کرمانشاه و نیز ترور های ناموفق عباس واعظ طبسی و صادق احسان‌بخش، امام جمعه رشت و سید احمد خمینی که همگی در سال ۶۱ انجام شد.

نگاه

ریشه یابی عناد گروه های مخالف با انقلاب اسلامی در سال‌های نخستین انقلاب

دشمن مردم

محمد بیگدلی: ایران کشوری سرشار از منابع و ثروت‌های طبیعی و مرکز ارتباط و اتصالی بین کشورهای منطقه است که برخوردار از ذخایر عظیمی هستند. به دلیل بی تدبیری سیاستمداران ایران همواره راه نفوذ برای کشورهای بهره بردار و سودجو باز بوده است و در هر دوره تاریخی یکی از آنان قدرت بیشتری یافته و با سیاست فریب و نیرنگ و تهدید و تجاوز، ایرانیان را از ماترک خود محروم نموده است. نهضت اسلامی امام خمینی(ره) و همراهی و حمایت مردم از ایشان انقلاب عظیمی به راه انداخت که چون تبری بر دست متجاوزان فرود آمد. انقلاب ایران با شعار نه شرقی و نه غربی به همه قدرت هایی که در طمع غارت ثروت های این سرزمین بودند نشان داد که باید حقوق ملت ایران و حد خود را در ارتباط با آن بشناسند. به دلیل سود سرشاری که ایران برای کشورهای غربی و بخصوص آمریکا که در سال های نزدیک به انقلاب گوی سبقت را از همه رقبا ربوده بود؛ به دنبال داشت پذیرش حقانیت و احترام به خواست مردم در تعیین نوع حکومت برای غربیان قابل قبول نبود از این رو سیاست نرم و نفوذ را پیاده کردند. اگرچه رو بازی کردن آنان چندان دوام نداشت و تدابیرشان در نهان با همان نیات گذشته بود.

در اوایل انقلاب به دلیل تعدد نظرات سیاسی و فعالیت گروه های گوناگون که هریک دنباله رو و مبلغ جریان فکری خاصی بودند؛ بخشی از ساختار سیاسی کشور همسو با خواسته های آمریکا عمل می نمود و اعتقادی به ارزش های انقلابی نداشت. نهضت آزادی و اعضای دولت موقت که دارای تفکرات لیبرالی بودند، این سیاست را دنبال می کردند. گروه های لیبرال بر این باور بودند که مخالفت مردم با آمریکا ناشی از جو انقلابی است و برای آینده کشور به برقراری رابطه با دولت های غربی نیاز وجود دارد. و این جوسازی دولت لیبرال در حالی بود که مردم انقلابی و امام خمینی(ره) در مقابل سیاست های نفوذ به نظام و چپاول ثروت های ایران توسط آمریکا و غربیان قیام کرده بودند.

سخن اصلی و خواست انقلاب، ارتباط دیپلماتیک دو کشور مبنی بر احترام متقابل بود و این تفکری بود که با منافع آمریکا در ایران و منطقه در تضاد بود. مخالفت دولت موقت و بازرگان با اقدامات انقلابی از جمله تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و یا رد وزرای لیبرال که بر گسترش ارتباط با آمریکا تأکید داشتند و یا مخالفت با عملکرد شورای انقلاب؛ به این دلیل بود که این همه را مخل روابط با غرب و آمریکا می دانستند. آمریکا نیز این جریان را مروج تفکرات و نماینده خود در انقلاب می دید و از آنان حمایت می نمود.

امام خمینی(ره) نیز اعتقادی به تفکر این گروه نداشت و آن را دشمنی با انقلاب می دانستند: «من امروز بعد از ده سال از پیروزی انقلاب اسلامی همچون گذشته اعتراف می‌کنم که بعضی از تصمیمات اول انقلاب در سپردن پست ها و امور مهمه کشور به گروهی که عقیده خالص و واقعی به اسلام ناب محمدی نداشته اند، اشتباهی بوده است که تلخی آثار آن به راحتی از میان نمی‌رود. گرچه در آن موقع هم من شخصاً مایل به روی کار آمدن آنان نبودم ولی با صلاحدید و تأیید دوستان قبول نمودم و الان هم سخت معتقدم که آنان به چیزی کمتر از انحراف انقلاب از تمام اصولش و حرکت به سوی آمریکای جهانخوار قناعت نمی‌کنند، در حالی که در کارهای دیگر نیز جز حرف و ادّعا هنری ندارند. امروز هیچ تأسفی نمی‌خوریم که آنان در کنار ما نیستند چرا که از اول هم نبوده اند. انقلاب به هیچ گروهی بدهکاری ندارد و ما هنوز هم چوب اعتمادهای فراوان خود را به گروه‌ها و لیبرال‌ها می‌خوریم.»[1]

مقام معظم رهبری نیز که درآن سال ها در شورای انقلاب فعالیت می کردند و از نزدیک با عملکرد دولت موقت و تفکرات آنان آشنایی داشتند از عدم همکاری و همراهی بازرگان به عنوان نماینده تفکر لیبرالی با نهادهای انقلابی و اغتشاش در ساختار سیاسی و تهدید به کناره گیری وی از قدرت سخن ها گفته اند. «...ما می‌گفتیم مثلاً فلان وزیر را قبول نداریم و مواجه می‌شدیم با یک پاسخ که پیوسته با آن رو به رو بودیم و آن این بود که رئیس دولت موقت به ما می‌گفت اگر این‌ها را شما قبول نکنید من ناچارم استعفا بدهم ... ما بر سر معاونین آقای بازرگان چند بار در شورای انقلاب کارمان با ایشان به مشاجره کشید. همین امیرانتظام یکی از معاونین آقای بازرگان بود. خود من و همچنین برادران دیگر در شورای انقلاب، چندین بار به آقای بازرگان اعتراض کردیم....».[2] بی اعتقادی دولت موقت به همراهی با اسلام خواهی امام و مردم نیز به نوبه خود مهیا کننده عرصه برای جولان دادن عناصر لائیک بود. به همین سبب امام خمینی در بدو ورود به قم در کنار تأکید بر حمایت از دولت بازرگان، همین دولت را «ضعیف النفس» خطاب کردند.[3]

پی نوشت ها:

۱- صحیفه امام، ج ۲۱، صص ۲۷۳تا ۲۹۴

۲- مرتضی میردار، خاطرات حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری، ج ۱، تهران، سازمان اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱

۳- صحیفه امام، ج ۶،ص ۳۲۹

گفت‌وگو با دکتر محمدصادق کوشکی

پشت سر گذاشتن دهه ۶۰ معجزه نظام اسلامی بود

کسانی که به برکت انقلاب دارای موقعیتی شدند به دلیل افکار فاسدشان جای شهید و جلاد را عوض می‌کنند

فاطمه امیراحمدی: به گفته مقام‌معظم رهبری دهه ۶۰، دهه افتخارات بزرگ و دهه مبارزه با تجزیه‌طلبی است که ملت ایران به‌ویژه جوانان با ایستادگی خود توانستند بر تمام توطئه‌ها و دشمنی‌ها پیروز شوند و تاکید کردند مراقب باشیم تا جای شهید و جلاد عوض نشود. دراین‌باره گفت‌وگویی با محمدصادق کوشکی، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران داشتیم که در ادامه می‌آید.

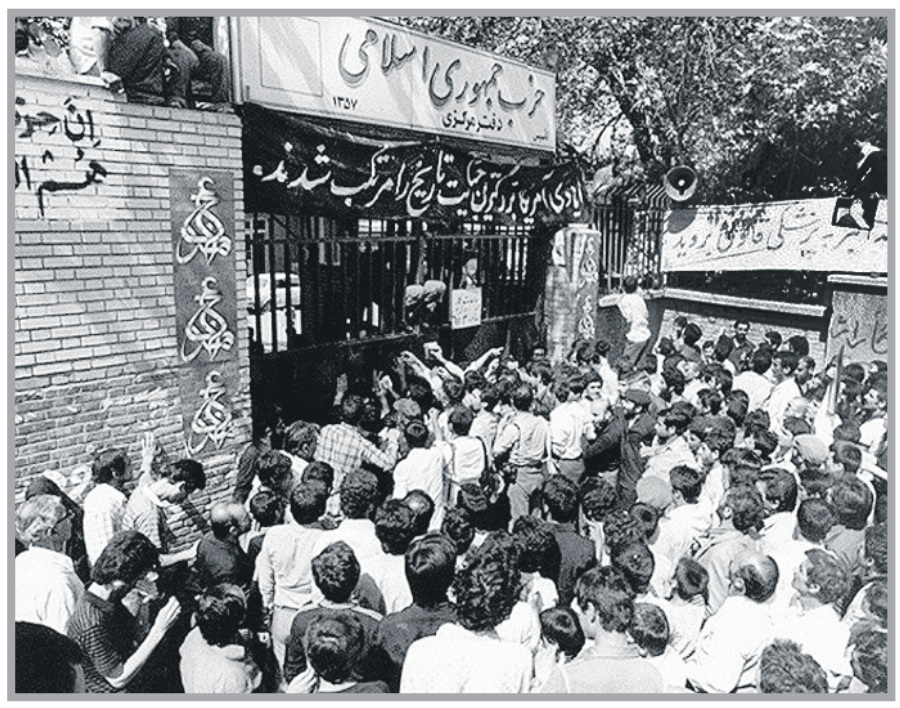

◆ به‌لحاظ سیاسی و فرهنگی، انقلاب اسلامی چه چالش‌هایی را در دهه ۶۰ پشت‌سر گذاشت تا به امروز یعنی دهه ۹۰ رسیده است؟

برای شرح این دهه نخست باید با مثالی به تشریح حوادث و اتفاق‌هایی که برای انقلاب اسلامی در این دهه رخ داد، بپردازیم. انقلاب در دهه ۶۰ همچون نوجوانی بود که مسئولیت خانواده را به‌عهده گرفت، به‌قولی سرکار می‌رود و درآمد خانواده را تامین می‌کند این در حالی است که افراد زیادی از خانواده و آشنایان مشغول آزار و اذیت او هستند و اهانت می‌کنند. و می‌توان تشبیه کرد افراد زورگو محله به بهانه‌های مختلفی او را مورد ضرب‌وشتم قرار می‌دهند. با تمام این شرایط و آزارها این نوجوان، کار خود را به بهترین نحو انجام می‌دهد و امروز یک فرد میانسال موفق شده است. این تشبیهی ساده برای روشن شدن مشکلات انقلاب اسلامی در دهه ۶۰ بود. انقلاب در ابتدای پیروزی خود با صدها مشکلات عجیب‌وغریب روبه‌رو شد؛ مشکلاتی که هر یک برای سرنگونی یک کشور معمولی که در شرایط عادی به‌سر می‌برد کافی است.

اما ازآنجایی‌که مردم برای دین و سرنوشت خود انقلاب کرده بودند هرجا که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی نیاز داشت، وارد صحنه می‌شدند و به‌این‌ترتیب انقلاب اسلامی توانست با موفقیت و سربلندی مشکلات و سختی‌های کار را طی کند. اگر بخواهیم به این مشکلات به‌طورمشخص اشاره‌کنیم یکی از آن‌ها تجزیه‌طلبی در داخل بود. گروه‌های چپ‌گرا و مارکسیسم و نیز گروه‌های قوم‌گرا به بهانه خودمختاری شروع به دادن شعارهای جدایی‌طلبی کرده بودند. در گوشه‌گوشه کشور اعتراض و ندای تجزیه‌طلبی شنیده می‌شد. این گروه‌ها با نیروهای بیرون از مرز نیز ارتباط داشتند؛ نیروهایی از سمت آمریکا، شوروی وقت، فرانسه، عربستان سعودی، رژیم بعث عراق و سلطنت‌طلب‌هایی که از کشور فراری شده بودند و از سوی آن‌ها حمایت می‌شدند. و پول، تسلیحات نظامی، امکانات رادیویی و تبلیغاتی و... دریافت می‌کردند.

این گروهک‌ها زمانی تحرکات تجزیه‌طلبی را در کشور آغاز کرده بودند که تنها یک روز از پیروزی انقلاب اسلامی گذشته بود. به‌این‌ترتیب مشکلات و چالش‌های جمهوری اسلامی ایران از ۲۳ بهمن ۱۳۵۷ آغاز شد. این تجزیه‌طلبی‌ها در خوزستان، کردستان، آذربایجان غربی و شرقی، ترکمن‌صحرا (گنبدکاووس) و سیستان و بلوچستان بود و در هر گوشه مرزی این کشور ادعای جدایی‌طلبی وجود داشت. این تنها یکی از مشکلات پیش‌روی انقلاب بود. و این موضوع زمانی مطرح شد که هنوز نیروهای انتظامی، نهادهای انقلابی مانند کمیته و سپاه و نیز بسیج فعال نشده بود. از این فرصت دشمنان استفاده کردند و شهرهای مرزی شلوغ شد.

همچنین کشور تازه انقلاب کرده و بسیاری مسئولان و مدیران حکومت قبل رفته بودند و ادارات کشور سروسامان نگرفته بود، در شرایط جدید مردم نیز توقع‌ها و انتظارهای جدیدی از حکومت اسلامی داشتند و منتظر بودند با محقق شدن انقلاب از همان ابتدا وضعیت بهبود یابد.

از سوی دیگر فشارهای زیادی به کشور از خارج می‌شد زیرا به‌لحاظ اقتصادی و سیاسی امریکایی‌ها و اروپایی‌ها ایران را تحریم کرده بودند. بسیاری از اموال کشور که در بانک‌های بین‌المللی و خارج از کشور ذخیره‌شده بود توقیف شد. دولت جمهوری اسلامی زمانی به قدرت رسید که تجربه کشورداری نداشت و کشوری بهم ریخته و ویرانه تحویل گرفته بود. کشوری که بیش از ۶۵درصد آن را مردم بی‌سواد تشکیل می‌داد و خارجیان آن را اداره می‌کردند و حالا با وقوع انقلاب، کشور را رها کرده و رفته بودند.

حال در چنین شرایطی جنگ نیز به این کشور از سوی رژیم صدام تحمیل شد درحالی‌که هنوز ارتش کشور ساماندهی نشده و سپاه و بسیج تازه تشکیل‌شده است. حال در این زمان مسئولان که تجربه کشورداری نیز ندارند باید انقلاب را هدایت و از تمامیت ارضی کشور دفاع کنند.در چنین شرایطی ما با مشکل جدیدی نیز روبه‌رو شدیم، گروهک‌های منافقین و سایر حزب‌هایی که فضای را برای فعالیت خود مناسب می‌دیدند- البته پیش از انقلاب نیز فعالیت داشتند- از فضا به نفع ایدئولوژی‌های خود سوءاستفاده می‌کردند؛ گروه‌هایی چپ‌گرا مانند فداییان خلق، اتحادیه کمونیست‌ها، گروه‌های ملی-مذهبی. هر گروه حرکت‌هایی داشت که می‌توانست یک دولت قدرتمند را به‌زانو درآورد. شما هرلحظه شاهد بودید که برترین چهره‌های انقلاب مانند استاد مطهری، سپهبد قرنی، شهید مفتح، شهید عراقی و دیگران ترور می‌شوند. استاد مطهری و شهید مفتح از چهره‌های دانشگاهی و ارزشمند بودند، سپهبد قرنی نخستین فرمانده ارتش پس از انقلاب و فردی انقلابی و متفکر بود که ۴۰ روز پس از وقوع انقلاب از سوی منافقین ترور و کشور از یک فرمانده توانمند محروم شد. شهید عراقی یک مبارز قدیمی بود که می‌توانست به انقلاب کمک کند. و در ادامه ترورها به بقیه سران انقلاب مانند رئیس قوه قضاییه، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، نمایندگان مجلس و وزرا نیز منتقل شد و بیش از یک‌صد تن ترور شدند. در این شرایط فردی نفوذی مانند بنی‌صدر رئیس‌جمهور کشور می‌شود.

متاسفانه این تاریخ به نسل آینده منتقل نشده و امروز جوانان و نوجوانان نمی‌دانند داستان این‌همه اتفاق در دهه ۶۰ چه بوده است. و برعکس برخی با نشستن پای ماهواره و در دنیای مجازی، به این نتیجه می‌رسند که ایران در زمان پهلوی در بهترین شرایط و امکانات قرار داشته و امروز کشور ویرانه است و به‌این ترتیب احساس بدبختی می‌کنند این ظلم بزرگی به انقلاب و کشور است

بنابراین شرایط پس از انقلاب به‌ویژه در دهه ۶۰ سخت و دشوار است و به‌واقع نظام جمهوری اسلامی همین‌که توانست این دهه را پشت‌سر بگذارد یک معجزه بود. با عنایت خداوند و حمایت مردم، نظام تازه‌کار و بی‌تجربه توانست از این مشکلات عبور کند و در کنار آن قدرتمند و کشور را بسازد. کشوری که از بین ۵۰هزار روستای آن، تنها ۲هزار روستا آب لوله‌کشی و آشامیدنی داشت. خوشبختانه در چنین شرایطی نهادی مانند جهاد سازندگی موفق شد در مدت ۲۰ ماه این آمار را ۵ برابر کند و ۱۰هزار روستا در این مدت لوله‌کشی و از آب آشامیدنی سالم بهره‌مند شدند. چنین فعالیت‌هایی کاری ساده نیست. در ظرف این مدت برق‌کشی انجام شد، مدرسه ساخته شد، جاده‌های روستایی کشیده شدند و.... تمام این امور چیزی شبیه معجزه بود.

◆ امروز وظیفه نسل پس از انقلاب، نسلی که شاید انقلاب را تجربه نکرده‌اند، چیست؟

متاسفانه این تاریخ به نسل آینده منتقل نشده و امروز جوانان و نوجوانان نمی‌دانند داستان این‌همه اتفاق در دهه ۶۰ چه بوده است. و برعکس برخی با نشستن پای ماهواره و در دنیای مجازی، به این نتیجه می‌رسند که ایران در زمان پهلوی در بهترین شرایط و امکانات قرار داشته و امروز کشور ویرانه و در بدترین شرایط قرارگرفته است و به‌این‌ترتیب احساس بدبختی می‌کنند این ظلم بزرگی به انقلاب و کشور است. اگر گفتنی‌های دهه ۶۰ گفته نشود نتیجه این می‌شود که چنین تصورات غلطی در ذهن نسل بعد شکل گیرد و رسانه‌های معاند از این فضای خالی نهایت استفاده را ببرند و متاسفانه نیز برخی این غرض‌ورزی‌های مغرضانه را نیز باور می‌کنند.

◆ امروز چه تهدیدهایی به‌لحاظ اندیشه‌ای وجود دارد که رهبر انقلاب تاکید دارند اجازه ندهیم جای جلاد و شهید تغییر کند؟

مسئله جلاد و شهید در آن بحبوحه دهه ۶۰ یعنی زمانی که هنوز صدام بخش‌های زیادی از ایلام، خوزستان، کرمانشاه را در دست داشت و یا در سیستان و بلوچستان که از گذشته اشرار و سلطنت‌طلب‌ها هرروز در حال ترور نیروهای انقلابی که برای کمک به مردم در سوادآموزی و سازندگی رفته بودند، مطرح است، زمانی که جوانان انقلاب در کردستان سربریده می‌شدند.در چنین فضایی جنگ نیز اضافه‌شده و عده‌ای در پایتخت و شهرهای مهم شروع به کشتن مردم می‌کنند. حالا مردم جز اینکه نگران بمباران صدام هستند باید هرلحظه منتظر این نیز باشند که بمبی در کنارشان منفجر نشود. یا رزمندگان پس از مجروحیت بعداز ماه‌ها دوری از خانواده در کوچه و خیابان و جلوی منزل‌شان از سوی منافقین ترور می‌شدند. در تاریخ دنیا چنین پدیده‌ای سابقه ندارد. فضای سختی در این دهه بر کشور حاکم بود. با تمام این مشکلاتی نظام پابرجا می‌ماند قدرت می‌گیرد و می‌تواند مشکلاتش را رفع کند.اما به‌قدری تبلیغات منفی از سوی دشمن به‌وسیله خودی‌ها انجام که آسیب‌های زیادی به کشور وارد می‌شود. کسانی که یا جاهل و غافل بوده‌اند یا حتی ظالم و از مسئولان نظام هستند. به دلیل قدرت‌طلبی حوادث و تصویر دهه ۶۰ را وارونه می‌کنند. کسانی که به برکت انقلاب دارای موقعیتی شدند به دلیل افکار فاسدشان جای شهید و جلاد را عوض می‌کنند جدا از اینکه دشمنان خارجی نیز به این کار مشغول هستند، غیر از منافقینی که ۱۲هزار تن از مردم ایران را به‌شهادت رساندند و به صدام در جنگ تحمیلی کمک می‌کنند. سال‌ها همراه با رژیم بعث عراق با ایران جنگیدند و به کشور خود خیانت کردند آن‌ها جای شهید و جلاد را عوض کردند. شاید مظلومیت انقلاب اسلامی این باشد که عده‌ای از مسئولان نظام با دشمنان خارجی همراهی و تلاش کردند جای شهید و جلاد عوض شود. این ظلمی بزرگ بر این کشور بود و تعبیر رهبر از اینکه انقلاب در دهه ۶۰ مظلوم واقع‌شده به این معناست.

تورق

می خواستند ایران ایرانستان شود!

الهیار امینی: رهبر معظم انقلاب ۱۴ خرداد سال جاری در مراسم بیست و هشتمین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) به بخشی از تاریخ دهه شصت اشاره کرده و فرمودند « عمده خطاب من در بحث های امروز و صحبت امروز، به شما جوانهای عزیز است؛ علّت هم این است [اوّلاً] که جوانها، دوران حماسه های بزرگ را مشاهده نکردند، ندیدند؛ دوران پیروزی انقلاب را، دوران دفاع مقدّس را، دوران حرکات عظیم و مجاهدتهای بزرگ در مقابل تجزیه طلبان را جوانها [فقط] شنیده‌اند و اینها برای جوانهای ما تاریخ است؛ لذا لازم است برای آنها بیشتر توضیح داده بشود و بیان بشود» دفاع مقدس ، ترور و تجزیه طلبی سه کلید واژه ای هستند که در مرور تاریخ دهه شصت با آن ها زیاد روبرو می شویم ، با پیروزی انقلاب اسلامی و به خطر افتادن منافع ابرقدرت های شرق و غرب انتظار می رفت که کشور درگیر جنگی تمام عیار شود ، آمریکا به دنبال آن بود که هزینه ها را با یک کودتا پائین آورده و دیگر نیازی به جنگ نباشد ولی با شکست کودتای نوژه در تیرماه سال ۵۹ مهره ای به نام صدام کلید نهایی جنگ را فشار داد و دفاعی مقدس به طول هشت سال رقم خورد ، از سوی دیگر و از اولین روزهای پیروزی ترور شخصیت های نظام اسلامی از شهید قرنی گرفته تا مطهری و مفتح آغاز و پس از رویدادهای خرداد شصت و برکناری ابوالحسن بنی صدر نخستین رئیس جمهور توسط مجلس شورای اسلامی و حکم امام و قیام مسلحانه منافقین حالت علنی پیدا کرده و نه تنها مسئولین که مردم کوچه و خیابان را نیز هدف گرفت.

کلید واژه سوم تجزیه طلبی است که کشور از روز نخست پس از پیروزی انقلاب اسلامی گرفتار آن بوده است ، گروهک ها که گمان می کردند بهترین زمان نصیب آنان شده است تا بخشی از کشور را جدا کرده و تهدید شاه که گفته بود «اگر سقوط کنم ایران به ایرانستان بدل خواهد شد » محقق گردد.

گروهک های دموکرات و کومله در کردستان ، خلق عرب در خوزستان ، خلق مسلمان در آذربایجان ، خلق ترکمن در ترکمن صحرا و برخی گروهک های ریز و درشت در سیستان و بلوچستان این روزها هر کدام ساز خود را می زدند و به دنبال تجزیه بخشی از کشور بودند و در برخی نقاط نیز این کلیدواژه به خاطر آن که حساسیت برانگیز نباشد به مطالبه خودمختاری بدل شده بود!

گروهک ها به دنبال آن بودند که کلیه هزینه های زندگی و حیات آنان توسط دولت مرکزی تامین شود ولی خودمختار بوده و در اولین فرصتی که بتوانند سرپا بایستند از ایران به صورت رسمی جدا شده و کشوری جدید با پرچمی جدید شکل دهند.از اولین روزهای پیروزی انقلاب ندای شوم تجزیه طلبی با حمله به پادگان ها و مراکز دولتی شروع شد ، در برخی نقاط چون پاوه گروهک های تجزیه طلب با حمله به پاسدارها سر این مدافعان وطن را بریدند و به زن و بچه مردم رحم نکردند و اگر فرمان تاریخی امام خمینی (ره) نبود بی شک بخش عظیمی از کشور در تابستان ۱۳۵۸ از میهن جدا شده بود.

در روزهای پایانی مرداد ۱۳۵۸ و در جریان پاکسازی منطقه کردستان از لوث وجود ضد انقلاب و به دنبال محاصره شهر پاوه شهید چمران به همراه نیروهای پاسدار معروف به « دستمال سرخها » به فرماندهی«شهید علی اصغر وصالی» توانستند پس از چند روز درگیری در حالی که روزه دار بودند منطقه را از لوث وجود ضد انقلاب پاک سازی کنند که در این درگیری ها خون مطهر عده ای از جمله ۲۵ پاسدار مجروح بیمارستان پاوه که بی رحمانه بدست ضد انقلاب به شهادت رسیدند، تقدیم آرمانهای انقلاب گردید.

در این رابطه کافی است به بخشی از یک گزارش نگاهی از سر دقت بیندازیم ، روزنامه جمهوری اسلامی در شماره روز ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ نوشت : « پاسداران انقلاب را در پاوه سر بریدند ... چند تن از پاسداران مجروح وقایع خونین پاوه که به بیمارستان ۲۰۰ تختخوابی کرمانشاه انتقال یافته اند درباره اوضاع پاوه اطلاعاتی در اختیار خبرگزاری پارس کرمانشاه گذاشتند. آنان گفتند تا بامداد دیروز از شهر پاوه که اینک از سه جهت تحت محاصره و حمله مهاجمان قرار دارد با ۲۸۰ پاسدار محافظت و دفاع کردیم در حالی که بیش از ۲ هزار نفر مهاجم با ما می جنگیدند اما متاسفانه با کمال رشادت هایی که پاسداران بخرج دادند مهمات موقعی بدست ما رسید که دیگر امکان مقاومت باقی نمانده بود. به اظهار این پاسداران تلفات زیاد است و مهاجمان که بیمارستان پاوه را نیز در نزدیکی شهر به مسلسل بسته اند حتی به جنازه ها هم رحم نکرده و سر بسیاری از آن ها را از تن جدا کرده اند در حمله به این بیمارستان فقط ۶ نفر از ۲۵ پاسدار محافظ بیمارستان موفق به فرار شدند و دیگران [شهید شدند] » (۱)

آن چه در حماسه پاوه کمتر بدان پرداخته شده است ورود حماسی و انقلابی امام خمینی به میانه میدان بود ؛ امام با به دست گرفتن فرماندهی جنگ کردستان تاکید کردند «من به عنوان ریاست کل قوا به رئیس ستاد ارتش دستور می‌دهم که فوراً با تجهیز کامل عازم منطقه شوند؛ و به تمام پادگانهای ارتش و ژاندارمری دستور می‌دهم که بی انتظارِ دستور دیگر و بدون فوت وقت - با تمام تجهیزات به سوی پاوه حرکت کنند؛ و به دولت دستور می‌دهم وسایل حرکت پاسداران را فوراً فراهم کنند...تا دستور ثانوی، من مسئول این کشتار وحشیانه را قوای انتظامی می‌دانم. و در صورتی که تخلف از این دستور نمایند، با آنان عمل انقلابی می‌کنم. مکرر از منطقه اطلاع می‌دهند که دولت و ارتش کاری انجام

غائله پاوه با سرکوب مهاجمان پایان یافت

۵۰ تا ۶۰ پاسدار شهید و بیش از ۳۰۰ مهاجم کشته شدند

مرزها به روی مهاجمان فراری بسته شد

میرزیم را هیچ چیز باک نداریم

۱۲ صفحه کیهان

مجلس خبرگان گشایش یافت

فرمانده نیروی هوائی تغییر کرد

نداده‌اند. من اگر تا ۲۴ ساعت دیگر عمل مثبت انجام نگیرد، سران ارتش و ژاندارمری را مسئول می‌دانم. والسلام.» (۲) این فرمان حماسی و انقلابی روح دیگری به پاسداران انقلاب و ارتشیان وفادار به اسلام داده و منطقه در کوتاه ترین زمان ممکن از لوث وجود کفار و منافقین پاکسازی شد.امام خمینی در یکی از سخنرانی های خود در همین ایام « ۲۷ مرداد ۱۳۵۸» به عمق فاجعه می پردازند و می گویند : حالا هم در روزنامه دیدم که آنجا عزّالدین حسینی فاسد و همین طور قاسملوی فاسد ... اینها می گویند خود شما، خود پاسدارها که آمدند، اینها مردم را چه کردند. در صورتی که سر پاسدارها را بریدند! سر مردم را بریدند؛ بچه‌ها را چه کردند. یک همچو مردمی‌اند اینها، با اینها نمی‌شود با آشتی و با مصالحه و با این چیزها رفتار کرد، با اینها باید با شدت رفتار کرد، و با شدت رفتار می‌کنیم ان شاء الله. (۳)

آن چه ذکر شد بخشی از تاریخ دهه مظلوم و در عین حالی نورانی شصت است که بایستی به دقت و روز به روز آن را مطالعه کرد ، روزهایی که اگر نبود مقاومت دلیرانه مردم از پاسداران غیور تا ارتشی های دلیر امروز تهدید پهلوی جامه عمل پوشیده و ایران به ایرانستان بدل شده بود!

پی نوشت ها: جمهوری اسلامی ، ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ ، صفحه ۱۲
صحیفه امام ، جلد ۹ ، صفحه ۲۸۵
صحیفه امام ، جلد ۹ ، صفحه ۲۹۶

دیدبان

دولت مستعجل

بنی صدر و تلاش برای واگذاری کشور به منافقین

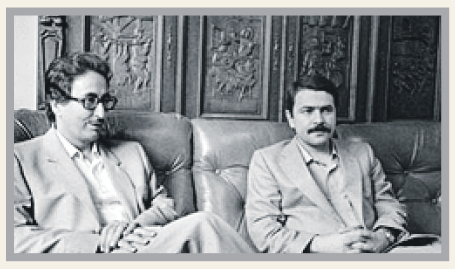

سعید روح نواز: ورق به ورق روزهای آغازین انقلاب انبوده از رویدادهای مهمی است که تاریخ معاصر ایران را با فراز و نشیب‌های بسیار عجین نمود و آینده کشور را رقم زد. تأکید انقلاب بر اسلامیت نظام و رد گرایش های ملی گرایی در مفهوم غربی آن برای گروه ها و اشخاص زیادی خوشایند نبود ولی خواست عمومی و نظر رهبری انقلاب بر تحقق نظامی اسلامی در ضمن حفظ عزت و استقلال ملی از دولت ها و قدرت های شرق و غرب بود. در این روزها مدعیان بسیاری برای قدرت وجود داشت و با توجه به جو انقلابی حاکم و عدم سامان سیاسی، تشخیص و تمییز باورهای سیاسی و اعتقادی به سختی ممکن می شد و نظام در معرکه عمل و با آزمون و خطا توانست اهداف و نیات بسیاری از این گروه ها را عیان کند. دیدگاه های سیاسی لیبرال ها و اعضای دولت موقت و نیز سازمان مجاهدین خلق که به شدت در پی مصادره انقلاب به نفع خود بودند با پرداخت بهایی گزاف میسر شد. دوران ریاست جمهوری ابوالحسن بنی صدر نیز در همین زمره قرار دارد و مدتی طول کشید تا سیاست تزویر و نفاقی که در عمل سیاسی رئیس جمهور وجود داشت و اهداف سیاسی وی در همسویی با کشورهای غربی برای همگان روشن شود. در راستای همین سیاست بنی صدر به شدت از عملکرد دولت موقت و عدم همراهی آن با تصمیمات خود انتقاد می نمود. در بخشی از این انتقادات اظهار می دارد: « باور من این است که بنیاد ساختمانی رژیم سابق را دولت مهندس بازرگان می خواهد نگه دارد، می خواهد آن را اصلاح بکند و مشکل او هم اینجاست و مشکل شورای انقلاب هم است که ناچار است با این دولت کار بکند نتیجتاً کند شده و کارایی اش را از دست داده ... ایشان (بازرگان) کار کرده اما پراکنده ... وقتی نظام در کارش نبود، مشغول می شود و بعداً می آید می گوید از صبح که بیرون می روی غرق در این خورده کاری ها می شویم تا شب، بابا تو نظام نداری! اگر نظام داشتی غرق نمی شدی در این خورده کاری ها...» [1]

بنی صدر دامنه این آشوب طلبی ها را به مجلس نیز کشانده بود و رد صلاحیت های وزرای پیشنهادی در مجلس را اخلال در کار دولت خود می دانست. این درگیری و عدم اتفاق نظر بنی صدر با اعضای مجلس و حزب جمهوری اسلامی در حالی بود که امام خمینی(ره) در مقام رهبری جامعه اسلامی نیز از تصمیم مجلس حمایت نمود و به بنی صدر تذکر داد: « وزارتخانه‌ای که ضرر داشته باشد برای اسلام، برای حکومت اسلامی، به چه درد ما می‌خورد. بودجه را تصویب می کند شورا، آقای - مثلاً - وزیر بودجه نمی‌دهد، اوضاع به هم می‌خورد. آن وضع به هم می‌خورد. آنجا وضع اینطوری است که اشخاصی هستند افکارشان افکار انقلابی نیست. افکاری است که می گویند نه، ما باید حالا با مسامحه، با چه با چه رفتار کنیم. این اشخاصی که انقلابی نیستند باید در رأس وزارتخانه‌ها نباشند. و آقای بنی صدر باید امثال اینها را معرفی به مجلس نکند و اگر کرد، مجلس رد بکند و هیچ اعتنا نکند، الّا اینکه وزیری باشد که کارآمد باشد. اسلامی باشد. مسامحه کار نباشد. انقلابی باشد». [2]

بی توجهی و اتخاذ موضع خصمانه بنی صدر در مقابل نهادهای انقلابی و تصمیمات فرهنگی نظام از جمله انقلاب فرهنگی در شرایطی که رژیم عراق در صدد حمله به ایران بود نیز کشور را دچار شوک ناگهانی و بحران نمود. تعلل و عدم توفیق بنی صدر در درک شرایط و تحولات مرزی و عدم توجه به هشدارهای سپاهیان مبنی بر آمادگی و تجهیز عراق برای حمله به ایران که در خاطرات بسیاری از شاهدان عینی به آن اشاره شده است و با توجه به ادعاهای خود بنی صدر در درگیری های ۱۴ اسفند در دانشگاه که اعضای مجلس و حزب جمهوری را به بی سیاستی متهم می نمود؛ عدم آمادگی به موقع ارتش ایران و خسارت های ناشی از حمله اولیه عراق به ایران و عاقبت کار بنی صدر در همراهی با مجاهدین خلق چیزی است که خیانتکار بودن بنی صدر را اثبات می کند. بنی صدر در تجمع روز ۱۴ اسفند سال ۵۹ به نقل از مصدق بیان کرد که «از مسلمانی و آداب آن برای بر حق بودن اسلام و نه برای میل این و آن، پیروی کنید و به احکام آن از ترس خدا و معاد و مقتضیات دنیوی و سیاسی عمل نمائید. باد شمال یا جنوب ما را نلرزاند و در درجه ایمان ما تأثیری ننماید ». [3] عمق نفاق و مردم فریبی بنی صدر چند ماه بیشتر طول نکشید و زمانی که دستش برای مسئولین و مردم رو شد، نیت واقعی خود را نمایان نمود و دست اتحاد و دوستی به منافقان دیگر یعنی مجاهدین خلق داد. معرکه بنی صدر در این روز مردم را رو در روی یکدیگر قرار داد و با ایجاد التهاب و شعارهای دوگانه نظم و امنیت داخلی را فدای مطامع سیاسی خود و کسب قدرت نمود. استفاده ابزاری از مردم و ایجاد تفرقه بین آنان و تخریب چهره سپاهیان و اشخاصی که دارای رویکردهای انقلابی در تصمیم گیری های نظامی و سیاسی کشور بودند از جمله اعضای حزب جمهوری، با هدف تضعیف انقلاب و انداختن کشور به دست لیبرال ها صورت گرفت ولی برکناری از سمت ریاست جمهوری و فرار، او را از دستیابی به اهدافش بازگذاشت.

پی نوشت ها: ۱- شادلو، عباس، انقلاب اسلامی از پیروزی تا تحکیم: ناگفته های تاریخی از دول موقت و شورای انقلاب تا سقوط بنی صدر ۶۰-۱۳۵۷. تهران: وزراء، ۱۳۸۵. ص۸۲
۲- صحیفه امام خمینی، جلد ۱۳، ص ۵۱
۳- روزنامه کیهان، ۵۹/۱۲/۱۶

یـــــادآوری

از مغازه نفت فروشی و سوپرمارکت
تا دفتر حزب و نخست وزیری

به این لیست نگاه کنید!

روح الله مومن: گذر زمان باعث به فراموشـــی ســـپرده شدن بسیاری از واقعیت ها می شود ولی زمانه زمانه ای نیست که بتوان بر آن چه روی داده است قلم کتمان کشید هر چند فراموش کرد ، هزاران رســـانه از روزنامه ها گرفته تا خبرگزاری ها و همچنین رادیو و تلویزیون رویدادها را روایت کرده و مســـتند سازی می کنند ، هر چند امروز این مســـتند سازی شکل پیچیده به خود گرفته و برای خودش نوعی صنعت شده است ولی در دهه های گذشته نیز خبرنگاران روزنامه ها در صحنه بودند و حوادث را جزء به جزء روایت می کردند.

حوادث اخیر تهران هر چند بسیار تلخ ولی برای مردم ایران مردمی که دهه شصت را دیده بودند تنها یک خاطره بود، خاطره‌ای که تنها بخش کوچکی از آن حـــوادث را آن هم کاریکاتور وار و به فرموده رهبر معظم انقلاب چونان ترقه بازی بازسازی کرده بود!

عطف به آن چه در ابتدای این نوشتار ذکر آن رفت تنها نگاهی به آن چه رســـانه ها از دهه شصت روایت کرده اند واقعیت این گزاره که آن چه چهارشـــنبه روی داد تنها شکل یک ترقه بازی داشـــت را اثبات می کند ، دهه شصت دهه ای نورانی و در عین حال مظلوم اســـت ، دهه ای که یادآور رشـــادت های بیشمار و تاریخی رزمندگان اســـلام در حفاظت و حراست از آرمان های اسلام و انقلاب بود ، هشت سال دفاع مقدس و مقابله پاسداران انقلاب به معنای عام این کلمه از نیروها و بسیج مردمی گرفته تا سپاهیان و ارتشیان غیور همه و همه صحنه های زیبای ایثار و از خودگذشتگی را به نمایش گذاشته بود و از سوی دیگر در حالی که وطن با دشـــمن خارجی درگیر بود گروهک های آمریکایی مردم را در کوچه و خیابان به خاک و خون می کشیدند.

تروریســـم یکی از کلید واژه هایی است که می توان با آن دهه شـــصت را تعریف کرد دهه ای که ایـــن روزها عده ای در تلاش هستند جای شاکی و متهم و به فرموده رهبر انقلاب جای شهید و جلاد را در آن عوض کنند.

پرداختن به یک یک رویدادهای این دهه مثنوی هفتاد من کاغذ می طلبد ولی به این لیســـت توجه کنید : ولی الله قرنی اولین رئیس ســـتاد ارتش ایران پس از انقلاب (۳ اردیبهشت ۱۳۵۸) ، آیـــت الله مطهری عضو شـــورای انقلاب و یکـــی از بزرگترین اندیشـــمندان و تئوری پردازهای نهضت اسلامی (شبانگاه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸) ، آیت الله مفتح دانشمند بزرگ انقلاب (۲۷ آذر ۱۳۵۸) ، آیت الله قاضی طباطبایی اولین امام جمعه تبریز پـــس از انقلاب (۱۱ آبان ۱۳۵۸) ، ترور ناکام آیت الله العظمی خامنه ای امام جمعه وقت تهران (۶ تیر ۱۳۶۰) ، انفجار عظیم در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و شهادت آیت الله بهشتی و دهها نماینده و وزیر (۷ تیر ۱۳۶۰) ، انفجار در دفتر نخســـت وزیری و شهادت رجایی رئیس جمهور و باهنر نخست وزیر (۸ شهریور ۱۳۶۰) ، ترور و به شهادت رساندن آیت الله مدنی امام جمعه تبریز (۲۰ شـــهریور ۱۳۶۰) ، آیت الله صدوقی (۱۱ تیر ۱۳۶۱) ، آیت الله دســـتغیب (۲۰ آذر ۱۳۶۰) و آیت الله اشرفی اصفهانی (۲۳ مهر ۱۳۶۱).

این ها همه تنها بخشـــی از ترورهای هدفمند جریان های ضد انقلاب از گروهک فرقان تا منافقین در دهه شصت بوده و به این لیســـت بایستی هزاران ترور کور دیگر را که در کوچه و خیابان، از مدرســـه تا بیمارســـتان روی می داد و مـــردم عادی را هدف می گرفت اضافه کرد ، ترورهایی که به شهادت بیش از ۱۷ هزار نفر از مردم غیرنظامی و عادی ایران در دهه شصت منجر شد.

در این زمینه به این چند مورد که از روزنامه های دهه شـــصت استخراج شده است نیز دقت کنید : حمله مسلحانه منافقین به یک سوپرمارکت و به شهادت رساندن یک مشتری (کیهان ، ۱۶ مهر ۱۳۶۰) ، حمله به یک مغازه نجاری ، آتش زدن لاســـتیک فرسوده و تیراندازی های ممتد به قصد ایجاد رعب و وحشت (اطلاعـــات ۱۷ مهر ۱۳۶۰) ، ترور مغـــازه دار متدین در مقابل مغازه نفت فروشی از ســـوی دو منافق موتور سوار (اطلاعات ، ۱۵ مهر ۱۳۶۰) ، ترور ابراهیم فقیهی پزشک مسلمان و متعهد بیمارستان های مقدسی و نمازی شیراز و به شهادت رساندن وی (اطلاعات ، ۲۰ مهر ۱۳۶۰) ، حمله به یک کتابخانه عمومی و تیراندازی به کتابخوان ها و زخمی کردن یکی از اعضای انجمن اسلامی کتابخانه در جاده لاکان رشت (کیهان ، ۱۳ مهر ۱۳۶۰) ، بمب گذاری در یک خودرو و شهادت یک زن ۲۲ و دختر بچه ۶ ساله (کیهان ، ۲۱ مهر ۱۳۶۰) ، حمله به منزل یک فرد متدین در آبکنار بندر انزلی و ترور نوجوان ۱۳ ساله هنگام نماز (کیهان ، ۱۳ مهر ۱۳۶۰)

اگر دقت کرده باشید این ها همه تنها در طول چند روز از مهر ماه ۱۳۶۰ اتفاق افتاده و در روزنامه ها بازتاب یافته بود ، از ۱۳ تا ۲۱ مهر ۱۳۶۰ منافقین به مغازه های عادی مردم از نفت فروشی تا سوپرمارکت حمله می کنند و مشتری ها و صاحبان این مغازه ها را تنها به دلیل متدین بودن به شهادت می رسانند ، به بیمارستان ها هجوم می برند و پزشکان مسلمان و متعهد را ترور می کنند ، به کتابخانه ها حمله و کتابخوان های نوجوان را شهید و یا زخمی می کنند و ...حال با اســـتناد به آنچه از دهه مظلوم شصت باقی است چه کسی جلاد بوده و چه کسانی شهید شده اند؟!

آیا شایســـته اســـت با وجود این همه مصادیق روشن و عیان از تروریســـم بدون نقاب منافقین و گروهک ها در دهه شصت از اعدام این جانیـــان در مناظره های انتخاباتی گلایه و جمهوری اسلامی از سوی برخی افراد در جایگاهی بنشیند که به فرموده رهبر معظم انقلاب جای شهید و جلاد عوض شود؟!

گفت‌وگو با قاسم تبریزی

نباید مظلومیت انقلاب در دهه ۶۰ فراموش شود

تجربیات انقلاب در دهه ۶۰ باید به نسل‌های آینده منتقل شود

فاطمه امیراحمدی: قاسم تبریزی، تاریخ‌پژوه و از مدیران موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی و فصلنامه مطالعات تاریخی، موزه عبرت گفت: ضمن تاریخ‌نگاری دهه ۶۰ باید تجربیات آن به نسل‌های آینده منتقل شود و حتی کودکان نیز با داستان‌های کودکانه پیش از دبستان با مسائل کشور خود اعم از اقتدار، وحدت و منافع ملی آشنا شوند.

◆ در ابتدا بفرمایید چرا رهبر معظـــم انقلاب از واژه «مظلومیت انقلاب اسلامی» در دهه ۶۰ یادکردند؟

برای ورود به این بحث نیاز است ابتدا اشاره‌ای کوتاه به وضعیت سیاسی و فرهنگی ایران از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۷ داشته باشیم. در این دوره با حاکمیت اســـتعمار امریکا در ایران و استبداد شـــدید پهلوی، جامعه ما در شـــرایطی بحرانی قرار گرفت. اگرچـــه در این دوره ۵ جریان سیاســـی و فکری غرب‌گرایی (غرب‌پذیـــری و غرب‌زدگـــی)، مارکسیســـم و کمونیســـم، ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی، حاکمیت شاهنشاهی یا شاه‌محوری و اسلامی در جامعه فعالیت داشت.

در حقیقت حاکمیت استعمار و استبداد در این دوره با توجه به برنامه‌های امریکا علیه اســـلام، حذف دین بود. در تصویب لایحه ضداســـلامی انجمن‌های ایالتی و ولایتی مهر ۱۳۴۱ مراجع به‌ویژه حضرت امام (ره) اقدام جدی کردند که منجر به حمله استبداد به مدرسه فیضیه در دوم فروردین ۱۳۴۲ شد. با این یورش تعدادی از طلاب شهید، عده‌ای زندانی و برخی دیگر به سربازی فرستاده شدند. در ادامه این حمله، در محرم همین سال که منجر به قیام ۱۵ خرداد و قتل‌عام مردم تهران، ورامین، قم، اصفهان، تبریز و سایر شهرها شد ملت به دفاع از اسلام، مرجعیت و رهبری پرداختند.

بین ســـال‌های ۴۲ تا ۵۷ جریان اســـلامی بـــه رهبری امام خمینی به مبارزه برای تحقق آرمان‌های اســـلامی، رسیدن بـــه حاکمیت اســـلامی و مبارزه با اســـتعمار پرداخت. و نیز مبارزات ایدئولوژیکی با جریانات ضداسلامی مانند مارکسیسم، ناسیونالیسم، اومانیسم و سایر مکاتب در جریان بود. درنهایت هدف مبارزه با عوامل استعمار مانند صهیونیست، فراماسونری و بهاییت بود که در حاکمیت بودند.

جریان اســـلامی باتحمل شـــکنجه‌ها و زندان‌ها که منجر به شهادت و تبعید بسیاری شد، درنهایت ۲۲ بهمن ۵۷ به نتیجه رسید. در این دوره شاهد شکست غرب عموما، امریکا، انگلیس و اسراییل خصوصا، در سطح جهان هستیم. و از سویی دیگر در داخل نیز ایدئولوژی‌های ناسیونالیسم، اومانیسم، لیبرالیسم، مارکسیسم، سوسیالیسم و ســـایر مکاتب با پیروزی انقلاب اسلامی شکست خوردند.

در این مرحله اســـلام در ۳ بعـــد در راس و متن جامعه قرار می‌گیرد؛ اســـلام به‌عنوان یک ایدئولوژی که تاثیر خود را در جهان اسلام گذاشت، اسلام به‌عنوان یک فرهنگ و تمدن و احیای آن پس از ۱۴ قرن به‌ویژه اینکه پهلوی با باستان‌گرایی به دنبال حذف و کم‌رنگ کردن این تمدن بود و ســـوم اسلام به‌عنوان یک سیستم حکومتی، حاکم بر جامعه ایران شد.

پـــس از پیروزی انقـــلاب شـــاهد توطئه‌هـــا، مخالفت‌ها و درگیری‌هایی در ســـطح کشور هستیم که از سوی جریانات مختلف گذشـــته ادامه پیدا می‌کنـــد. در این بخش از تاریخ انقلاب، با توطئه‌های امریکا، انگلیس، اســـراییل و کشورهای غربی در سطح جهان روبه‌روست، از سویی دیگر با توطئه‌های کشورهای منطقه مانند عربستان، لیبی، کویت، عراق و... که وابسته به سیاست غرب بودند، مواجهیم. بخش دیگر مربوط به درگیری‌های داخلی با ۴ جریان به‌لحاظ سیاسی، ایدئولوژیکی و اطلاعاتی است. یکی از این ۴ جریان مارکسیسم بوده که در شکل حزب توده و چریک‌های فدایی خلق فعالیت داشتند، دیگری جریان منافقین است، سومی جریان ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی بود و آخرین جریان نیز غرب‌گرایی یا عوامل دربار بودند. در این دوره پرتحرک بیش از ۵۰۰ نشریه بدون مجوز منتشـــر می‌شد و بیش از ۲۰۰ گروه و حزب با ایدئولوژی‌ها و نگرش‌های مختلف فعالیت داشت.

گروهی حرکت‌های تروریســـتی را شـــروع کردند و بزرگان سیاســـی و فرهنگی نیروهای انقلاب را به شهادت رساندند و آســـیب‌های بسیاری به کشور وارد کردند؛ مانند گروه فرقان، چریک‌های خلق، ســـازمان یا حزب کومله، حزب دموکرات کردســـتان، سازمان پیکار درراه آزادی طبقه کارگر، منافقین و سایر فعالان حزبی دیگر.

دســـته دیگر جریان‌های مارکسیســـتی معاند (حزب توده، سازمان اکثریت خلق، سازمان فداییان خلق، حزب رنجبران، حـــزب توفان، اتحاد چپ و...) بودنـــد که مدعی بودند مبارزه مسلحانه نمی‌کنند اما توطئه‌هایی داشتند که در سال‌های ۶۰ و ۶۱ مشخص شد. آن‌ها به دنبال ایجاد اختلاف و شقاق بودند و زمینه‌سازی کودتا یا استبداد نظام را فراهم می‌کردند.

جریانات ناسیونالیستی نیز معارض با اسلام و حاکمیت آن و قائل به جدایی دین از سیاست بودند؛ مانند جبهه ملی، حزب ملت ایران، نهضت رادیکال، کانون نویسندگان و... این طیف نیز تا اواخر خرداد ۶۰ در نشریات خود ایجاد شبهه و اختلاف می‌کردند و صراحتا علیه اســـلام، انقلاب و نظام قلم‌فرسایی می‌کردند.

این دوره، دوره شکیبایی حاکمیت جمهوری اسلامی در مقابل این جریانات بود. در اواسط سال ۵۹ این جریانات ضدانقلاب به یک وحدت سیاسی در حول رئیس‌جمهور منتخب کشور (بنی‌صدر) رسیدند اگرچه ازنظر ایدئولوژیکی و مبانی فکری با یکدیگر تعارض داشـــتند اما در مبارزه علیه انقلاب و نظام به اتحاد و وحدت رسیدند.

در این دوران امام در سخنرانی‌های خود جامعه را به وحدت و اتحاد و نیز هوشـــیاری در برابر توطئه‌های استعمار دعوت می‌کـــرد اما این گروه‌ها چون با اصل و اســـاس نظام مخالف بودند به عـــداوت و کینه‌ورزی با انقـــلاب، به ایجاد اختلاف می‌پرداختند. امام در این حرکت دست جاسوسان غرب خاصه امریکا را می‌دید و خطر توطئه آن را یادآوری می‌کرد.

سخنرانی ۱۴ اسفند ۵۹ بنی‌صدر در دانشگاه منجر به آشکار شدن دشمنی‌ها شد و جریان مبارز با انقلاب و امام در نشریات سرعت بیشتری گرفت. جریان معارض می‌پنداشت که وقتی پیوند با رئیس‌جمهوری پیدا کنند حتما به پیروزی می‌رسند و نظام را می‌توانند ســـاقط کنند. در این زمان و در سال ۶۰ دادســـتانی بیانیه‌ای صادر کرد که گروه‌ها تنها در چارچوب قانون اجازه مبارزه سیاســـی دارند اما ایـــن گروه‌ها به‌دنبال اغتشاش گسترده و حرکت مسلحانه در سراسر کشور بودند. خصوصا می‌پنداشتند منافقین، حزب رنجبران، چریک‌های خلق قدرتمند هستند و توان مقابله دارند.

یادآوری این نکته ضروری است که سازمان منافقین از همان ابتدای پیروزی انقلاب دنبال جمع‌آوری اســـلحه و تاسیس خانه‌های تیمی (بر اســـاس آمار ۵۸ این گروهک تنها ۵۴ خانه تیمی در تهران داشـــت) بود و تا سال ۶۰ آن را توسعه داد.با مطرح‌شـــدن لایحه قصاص در ابتدای دهه ۶۰ برای جریانات سیاسی که در چارچوب قانون فعالیت نداشتند مخالفت با حکم قرآنی آغاز شد، جبهه ملی با عنوان غیرانسانی بودن حکم و قانون الهی مردم را دعوت به تظاهرات و مبارزه با نظـــام کردند. امام نیز طی سخنرانی عنوان کردند چون مخالفت با حکم خداوند کرده‌اند مرتدند و منافقین نیز برای دفاع از آن‌ها وارد میدان شدند و به‌این‌ترتیـــب تمام جریانات معارض با اســـلام و انقلاب وارد میدان شدند و شروع به مبارزه مسلحانه کردند از چپ مارکسیسم تا ملی‌گرای ناسیونالیسم، از منافقین تا کومله و دمکرات و....

سازمان منافقین از همان ابتدا پیروزی انقلاب دنبال جمع آوری اسلحه و تاسیس خانه‌های تیمی (بر اساس آمار ۵۸ این گروهک تنها ۵۴ خانه تیمی در تهران داشت) بود و تا سال ۶۰ آن را توسعه داد

در این سال‌ها آمادگی لازم برای برخورد با آن‌ها را نداشتیم. سازمان منافقین برنامه تروریستی خود را از خرداد ۶۰ تا ۶۷ آغاز کرد. بر اســـاس آماری که از شـــهدا موجود است ترورها از ائمه‌جمعه استان‌ها مانند حضرات آیات شهیدان مدنی، صدوقی، اشرفی‌اصفهانی تا مسئولان کشوری مانند شهید بهشتی، شهید رجایی و دیگران و حتی به مردم عادی مانند کارگر، کفاش و... نیز تسری پیدا کرد و نزدیک‌به ۱۷هزار شهید به‌ثبت رسید.

این حرکت زمانی آغاز می‌شـــود که با دســـتور امریکایی‌ها و اروپایی‌ها، عراق نیز به ایران حمله می‌کند و کشـــور متحمل جنگ تحمیلی و تجاوز خارجی نیز می‌شود.

در این دوره ملت ایـــران علی‌رغم تحریم اقتصادی، جنگ تحمیلی (که بیش از ۳میلیون و ۵۰۰هزار نفر درون جبهه و پشـــت‌جبهه مبارزه و فعالیت می‌کردند) یک جو ترور را در کشـــور تجربه می‌کنند. گروهی که به اعتراف خودشان شکست انقلاب اسلامی و حذف جمهوری اسلامی هدف‌شان بود. زمانی کـــه در عرصه ایدئولوژی نتوانســـتند با جریان اســـلامی و فرهنگ اسلامی مقابله کنند حالا دست به ترور افراد می‌زنند که شاید با شهادت متفکران اسلامی جامعه را به شکست بکشانند.

تمام این اتفاق‌ها در کنار جریان‌هایی بود که در داخل و خارج از کشـــور در حال فعالیـــت بودند به‌طورمثال علی امینی در خارج از کشـــور جبهه نجات را در دست داشت، منوچهر گنجی تشکیلات شـــاهین را در اختیار داشـــت، شاپور بختیار نهضت مقاومت ملی را در دست داشت و فرح پهلوی در فرانسه و آمریکا واشـــرف پهلوی در آمریکا تشکیلاتی زده بودند و برخی چهره‌های ســـاواک در اختیار ســـازمان‌های جاسوســـی سیا، موســـاد و سایر سرویس‌ها بودند. جمهوری اســـلامی از یک‌ســـو باید از تمامیت ارضی خـــود در مقابل توطئه منافقین که دست‌آموز و دستیار رژیم بعث عـــراق بود محافظـــت می‌کرد و از مرزها در مقابل حملات وحشـــیانه عـــراق دفاع می‌کرد و از ســـویی دیگر کشور نیاز به سازندگی داشت و جهاد سازندگی باید به مسائل کشاورزی و آبادی کشور می‌پرداخت، بخش‌های صنعتی باید فعالیت خود را ادامه می‌دادند، دولت نیز باید به وظایف خود می‌پرداخت و جامعه باید روند جهادی خود را ادامه می‌داد.

ازاین‌رو دهه ۶۰ سال‌های پرتنشی است که حتی با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ از ســـوی ایران، عراق بـــا در اختیار قرار دادن تسلیحات نظامی به منافقین، عملیات مرصاد را آغاز می‌کند و با اعلام اینکه ما می‌توانیم تهران را فتح کنیم جوسازی علیه امنیت کشور به راه می‌اندازد. حتی این مسئله باعث شد تا در زندان‌ها برخی از عناصر باقی‌مانده این گروهک‌ها به تظاهرات و اغتشـــاش بپردازند که منجر به اعدام‌های ۱۳۶۷ شد. و این جنگ روانی را امروز برخی عناصر بی‌مســـئولیت، بی‌تعهد و مغرض تحریف کرده و وارونه جلوه می‌دهند. از نویســـندگان غربی و عناصر در خدمت اســـتعمار توقعی نیســـت اما آنان که خـــود را ملی، دینی و مدافع ایران می‌دانند گویی وجدان انســـانی و شرافت آدمی خود را از یاد برده‌اند و حتی به‌شکل عملی و ضمنی از جریان‌های ضدانقلاب و تروریست‌های آن دوران دفاع می‌کنند.منافقین تا کرمانشاه آمدند اما با مقاومت رزمندگان و مردم ایران مواجه شدند و این توطئه نیز درنهایت خنثی شد.

◆ پس می‌توان گفت با این شکست تقریبا جمهوری اسلامی به آرامش نسبی دست‌یافت؟

خیر زیرا پس‌ازاین زمان فاجعه دیگری در کشـــور رخ داد. با توطئه منافقین، لیبرال‌ها و نفوذی‌ها اتفاقی رخ داد و آیت‌الله منتظری از نظام جمهوری اســـلامی جدا شد اما باتدبیر امام این مسئله نیز مرتفع شد. اگرچه سخت بود ولی امام به‌موقع آن را جراحی کردند. با رحلت امام (ره) در ســـال ۶۸ باتدبیر مجلس خبرگان رهبری، مقام معظم رهبری، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای به رهبری منصوب شـــدند و به‌این‌ترتیب حاکمیت اســـلامی دچار خدشه نشـــد و ایدئولوژی، فرهنگ و تمدن اسلامی در پوشش انقلاب اسلامی ادامه پیدا کرد و به احیا و تولید علم پرداخت. همچنین حکومت و سیستم حکومتی نیز به اجرای قوانین الهی در سطح کشور مبادرت کرد در این دوره که زمانه سازندگی بود باید در حاکمیت قانون و قانون‌گرایی سعی و تلاش بیشتری انجام می‌شد. بنابراین پس از سال ۶۸ نیز توطئه‌هایی مانند تحریم و اقدامات اســـتکبار علیه کشور ایران اسلامی مانند برخوردهایی که در خاورمیانه شد و امریکا به منطقه لشکرکشـــی کرد و به‌دنبال آن شاهد جنایات یک دهه غرب علیه جوامع اســـلامی، در بین کشورهای مسلمان منطقه هستیم. القاعده، طالبان و داعش توسط غرب خاصه امریکا و انگلیس و سایر جریان‌ها به‌وجود آمدند.

◆ با این وضعیت وظیفه نســـل انقلاب در برابر نسل جوانی که مربوط به پساانقلاب است، چیست؟

بر اساس فرمایشـــات مقام‌معظم رهبری باید به تاریخ‌نگاری تاریـــخ معاصـــر در ۳ فصل پرداخت؛ کلیـــت آن دوران باید برای نســـل حاضر و نســـل‌های آینده تبیین و تشریح شود، پیرامون جریانات هدایت‌شـــده غرب و نقش استعمار کتاب تالیف و نشـــان داده شود که دخالت تجاوزکارانه غربی‌ها چه جنایت‌هایی در ابعاد مختلف دربر داشـــته اســـت. و موضوع آخر، مقاومت، ایســـتادگی و رشادت مردم مسلمان ایران در مقابـــل تمام چالش‌ها باید ثبت و ضبط شـــود. حضور مردم درصحنه و دفاع از اســـلام، انقلاب و نظام حماسه مهمی در تاریخ این مرزوبوم است.ضمن تاریخ‌نگاری باید تجربیات به نســـل‌های آینده منتقل شود و الگویی برای آیندگان خواهد بود اینکه علی‌رغم تمام مشکلات مردم ایستادگی کردند. این نیز می‌تواند بخشی در تاریخ، اسناد و تحلیل باشد و بخشی دیگر در قالب رمان و داســـتان اتفـــاق افتد. حتی دراین‌باره باید داســـتان کودکان نوشته شـــود لازم است کودکان نیز پیش از دبســـتان با مسائل کشور خود اعم از اقتدار، وحدت و منافع ملی آشـــنا شوند. و درنهایت در قالب فیلم و تصویر نیز در اختیار نسل جدید قرار گیرد که تاریخ معلم انسان‌ها و بیدارکننده نسل‌های متوالی و نیز چراغ راه آیندگان است.

بریده جراید ترور دهه ۶۰

سوم شـــهریور ۱۳۶۳ روزنامه ها از یک انفجـــار بـــزرگ خبـــر داده و نوشـــتند « مزدوران آمریکا با انفجار بمب در میدان راه آهـــن تهـــران ۱۷ تن را شـــهید و ۳۰۰ تن را مجـــروح کردند » بـــر اثر این انفجـــار ۲۰ باب مغـــازه از ۲۰ تا ۸۰ درصد آســـیب دیده و به دهها اتومبیل که در حال حرکت در میدان و یا پارک بوده اند خسارات کلی و جزئی وارد شد. در میان شهدا دو کودک و ۸ زن بودند.

سـوم اسفند ۱۳۶۰ بر اثر انفجار یک بمب بسیار قوی که در زیر یک کامیون حمل زباله شهرداری جاسازی شده بود ۱۱ نفر به شهادت رسیده و ۲۵ نفر دیگر نیز مجروح شدند. قدرت انفجار به حـــدی بود که تا شـــعاع یک کیلومتری تخریب بـــه وجود آورد و به بیش از ۸ دســـتگاه اتومبیـــل در حـــال عبـــور و ده خانـــه مســـکونی خســـارات زیادی رســـاند. یک دختر بچه محصل حدود ده ســـاله کـــه در اثر این انفجار دســـت و پایش قطع شده بود جزو این شهدا بود.

هفتم تیر ۱۳۶۰ منافقین در یک جنایت عظیم دهها تن از مقامات دولتی و نمایندگان مردم را شهید و زخمی کردند. مکیهان در این زمینه نوشت : ایـــادی آمریکا با انفجار بمب دهها همرزم امام ، وزیر و نماینده مجلس را شـــهید کردند. بر اساس گزارش کیهان « آیت الله دکتر بهشتی پس از سال هـــا مبارزه خســـتگی ناپذیر و تحمل فحاشـــی های آمریـــکا و ایـــادی داخلـــی اش بـــه خدا پیوســـت » « جمهوری اسلامی» نیز از این رویداد تلخ به عنوان بزرگترین جنایت تاریخ انقلاب یاد کرد.

کیهان در شـــماره ۳ اسفند ۱۳۶۰ خبر یکی از بمب گذاری های منافقین را پوشش داد و نوشت : در سالروز کودتای انگلیسی رضاخان ، در تهـــران عوامل آمریکا با انفجـــار بمب عده ای کارگـــر و دانـــش آموز را قطعه قطعـــه کردند. بر اســـاس این گـــزارش « هـــزاران نفـــر از مردم مســـلمان و انقلابی تهـــران پـــس از حادثه بمب گذاری به خیابان ریخته و با شعار مرگ بر آمریکا ، مرگ بر منافق نفرت خود را ا ز ضد انقلاب اعلام داشتند»

۱۱ تیر ۱۳۶۱ اســـتان یزد ســـومین شهید محـــراب را تقدیم انقلاب کـــرد. در این روز آیت الله صدوقی نماینده امام و امام جمعه یزد پس از اقامه نماز جمعه در حال خروج از محراب نماز مورد تهاجم یک منافـــق که با خود مقادیری مواد منفجره به همراه داشـــت قرار گرفت و به شـــدت مجروح شـــده و بدن ایشـــان به شـــدت متلاشی شد .

۲۰ شهریور ۱۳۶۰ آیت الله سید اسدالله مدنی امام جمعه و نماینده امام در تبریز بعد از اقامـــه نمـــاز جمعه بـــر اثر انفجـــار نارنجک به شـــهادت رســـید. در ایـــن واقعـــه عـــده ای از نمازگزاران نیز شهید و زخمی شدند.